

.....
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ وَأَلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ وَاللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا وَجَمِّعِ الْمُشْتَغَلِينَ وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دیروز خدمت شما عرض شد، خیلی از بحث خارج شدیم. مقداری آن بحث خارج را ادامه بدهیم. عرض کردیم مرحوم شیخ قدس الله نفسه، اگر مایل هستید، می‌خواهید عین عبارت را چون مرتب به عده ارجاع می‌دهم، می‌خواهید عین عبارت عده را بخوانیم؟ چون مثلاً این منشأ اشتباه حدود هفت، هشت قرن از علمای ما شده است. هفت، هشت قرن، هفت قرن از علمای ما شده است. ببینید، می‌خواهید بیاورید شما لما روی عن الصادق را بیاورید؟ بعد اسم سکونی را بیاورید. مرحوم شیخ، عرض کردیم در کتاب... حالا دیگر از بحث خارج شدیم، بگذریم از بحث خارج.

در کتاب عده که در اصول است، عرض کردیم اصول ایشان مثل ذریعه سید مرتضی نیست. «ذریعه» سید مرتضی مثل اصول اهل سنت است. دقت می‌کنید؟ اما عده نه، یک مخلوطی از اصول اهل سنت و شیعه است. مثل آن نیست اصلاً، با آن فرق دارد. حالا بحثی هم هست که آیا ایشان اول نوشته است یا او اول نوشته است؟ چون سید مرتضی متوفای ۳۳۶ است، گفته شده ایشان مثلاً قبل از این تاریخ نوشته است. به هر حال، وارد آن بحث‌های جنبی‌اش نمی‌شوم.

در کتاب عده دو بحث وجود دارد: یک بحث تعارض و یک بحث حجیت خبر. تصادفاً هم در عده چاپ قدیم و هم در این چاپی که انجام شده، فاصله این دو خیلی کم است. دو، سه ورق است، خیلی فاصله‌اش کم است. در بحث تعارض دارد که حدیث اگر از طریق مخالفین بود، دقت کنید، یعنی اهل سنت، نگاه می‌کنیم. اگر معارض نداشت و قولی از شیعه به خلافتش نبود، به آن عمل می‌کنیم، روشن شد؟ دارد لما روی عن الصادق. یعنی تعبد. روایت عن الصادق تعبد است. روشن شد؟ تعبداً امام صادق فرمودند عمل کنید. اذا نزلت بکم حادثة لاتجدون حکمها فیما روينا عنا فانظروا الی ما رووا عن علی، اهل سنت از علی چه چیزی نقل کرده‌اند؟

این را شیخ، عرض کردیم، این روایت هیچ جای دیگری نیامده است. الآن در کتب ما، غیر از عده شیخ طوسی مرسلأ، هیچ جای دیگری نیامده است. اخیراً مقالاتی نوشته‌اند، به آثار زیدیه در یمن اطلاع پیدا کرده‌اند. به نظر من این کتاب هم چاپ نشده است، المحيط فی الامامه که یکی از علمای زیدیه نوشته و متأخر هم هست. از این عبارت خواسته است علیه شیعه استفاده کند.

ایشان گفته است در کتاب نوادر الحکمه باب تعارض حدیث وجود دارد. هشت حدیث از باب تعارض نوادر الحکمه می آورد که به نظرم اولی اش این است: «اذا نزلت بکم حادثة لاتجدون حکمها فی ما روی عنا». این در کتاب آن سنی است که از کتاب نوادر الحکمه بود.

ما اصلاً باب تعارض نوادر الحکمه را کلاً نداریم. یعنی کل این هشت حدیث نزد ما الآن موجود نیست. چون در این احادیث صریحاً عمل به قیاس آمده است، صریحاً. دیگر معلوم است که اصحاب ما آن را حذف کرده اند، چون به قیاس عمل نمی کنند. و لذا عرض کردیم اینکه شیخ مفید می گوید عده ای از علمای قم آمده و می گفتند ائمه قیاس می کنند، نظرشان به این روایات و به کتاب نوادر الحکمه بوده است. چون بعضی ها تعجب می کنند که چطور می شود علمای شیعه از قیاس بگویند؟ طبق نقلی که ایشان از نوادر الحکمه کرده است. حالا حدیث را بخوانیم. سند حدیث هم روشن نیست، مشکل این است.

یکی از حضار: قال حدث الحسن بن علی عن العباس بن عامر.

آیت الله مددی: این در کتاب نوادر الحکمه، نوادر الحکمه که آن زیدی نقل می کند الان نزد ما نیست این کتاب الان نزد ما نیست کلاً یعنی این قسمت نوادر الحکمه در هیچ روایت ما نیامده است حالا اگر یک کسی گفت آن نوادر الحکمه آن اشتباه کرده خوب اگر اشتباه کرده خوب دیگر بدتر دیگر فعلاً یک زیدی در قرن به نظرم چهارصد و خورده ای باشد از علمای زیدیه است مرد فاضلی است المحيط فی الامامة، این برای رد امامیه نوشته اصلاً این کتاب بر رد ماست دقت کردید؟ در آنجا از باب تعارض است آن وقت این حدیث در آنجا با سند آمده است شیخ طوسی بدون سند آورده است روشن بشود برای شما. سند در کتاب نوادر الحکمه طبق نقل این زیدی این است، بخوانید، از اولش حدثنا

یکی از حضار: قال حدث الحسن بن علی عن العباس بن عامر.

آیت الله مددی: این حسن بن علی الآن نمی دانم کیست مراد ایشان. احتمال می دهم حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره باشد، نوه عبدالله. ایشان در قم آمده و حدیث نقل کرده است. این مرد بسیار بزرگواری است، لکن شاذ است مثل جدش عبدالله بن مغیره، شاذ باشد. بفرمایید. عبدالله بن عامر ثقة است. بفرمایید.

یکی از حضار: عن العباس بن عامر.

آیت الله مددی: الآن دقیقاً نمی دانم. بفرمایید.

یکی از حضار: عن ابی بکر اینجا نوشته که ظاهراً.

آیت الله مددی: ابن بکیر باشد. اشتباه چاپ کرده.

عرض کردم ما الآن کتاب زیدیه داریم. دقت کنید، این نکته مهمی است. چاپ شده و من هم آن را دارم. خودم نسخه را تصحیح کرده‌ام. کتب زیدیه از کتب ما نقل می‌کنند، مثلاً محاسن یا روی الصفار از کتب ما نقل می‌کنند. لکن اسامی را اشتباه نوشته‌اند. و این احادیثی که در کتب زیدیه بود، من در حاشیه‌ی وسائل خودم نوشته‌ام. این کار مربوط به ایام نجف است. نوشته‌ام الآن در مصادر ما نیست، اما در کتاب امالی ابوطالب آمده است. امالی ابوطالب از زیدیه است. ایشان تقریباً، ایشان یا... بله، ایشان تقریباً از زیدیه استرآباد هستند. ایشان است که در اواخر شیعه می‌شود. چون زیدیه استرآباد تدریجاً شیعه می‌شوند. به نظرم ایشان اولین نفر باشد، یا ایشان یا پدرش. اولی، پدرش را بعید می‌دانم، به نظرم ایشان است. امام ابوطالب. بفرمایید. اینها نقل و انتقال زیدیه به امامیه است. مدتی در شمال ایران بودند و بعد اصلاً شیعه شدند، کلاً شیعه شدند. بفرمایید.

یکی از حضار: عن بعض اصحابنا.

آیت الله مددی: می‌بینید مرسل است عرض کردم مرسل است. این حدیث با اینکه الآن در اختیار ما نیست، تازه در آن اصل مصدر هم، اگر این زیدی درست نقل کرده باشد دقت فرمودید؟ چون این زیدی برای رد ما نقل کرده است. می‌خواسته است از این حدیث برای نقض امامیه استفاده کند. بفرمایید.

یکی از حضار: عن ابی عبدالله علیه السلام قال: اذا ابتلیتم بالامر لابد لكم من العمل به.

آیت الله مددی: اذا ابتلیتم،

یکی از حضار: اذا ابتلیتم بالامر لابد لكم من العمل به.

آیت الله مددی: ببینید اذا ابتلیتم بالامر یا بامر لابد من العمل به یک مشکلی برای شما ایجاد شد که حتماً باید عمل بکنید نمی‌شود. رهایش کنید این صفت است یا اگر بامر بود، صفت می‌شد. اصطلاحاً این طور می‌گویند: بعد از نکره صفت است و بعد از معرفه حال است. اصطلاح نحویات ما... من هنوز نحویات را از یاد برده‌ام، زمانی که استاد نحو در نجف من بودم. به هر حال، چون بعد از معرفه است، حال است، وگرنه قاعدتاً باید صفت باشد.

«اذا ابتليتم به امر لابد من العمل به»، یعنی امری که ناگزیر هستید و بالاخره باید کاری برایش انجام دهید. بفرمایید.

یکی از حضار: لابد لكم من العمل به لم يبلغكم عنا فيه شيء.

آیت الله مددی: امری که هنوز از ما چیزی به شما نرسیده است از اهل بیت، بله، بفرمایید.

یکی از حضار: فخذوا بقول الناس فيه عن علي عليه السلام.

آیت الله مددی: به قول ؟

یکی از حضار: فخذوا بقول الناس

آیت الله مددی: ناس یعنی اهل سنت، این در روایات زیاد آمده که ناس یعنی اهل سنت. به قول علی. البته شیخ نقل کرده الی ما رروا

عن علی حالا آن نقل شیخ. بله، «فخذوا بقول الناس

یکی از حضار: فيه عن علي عليه السلام

آیت الله مددی: بعدش هم دنباله دارد.

یکی از حضار: بله. فان لم يبلغكم فيه عن علي شيء فخذوه براكم.

آیت الله مددی: ببینید قیاس در آن وجود دارد.

یکی از حضار: نمی خواهد اصل عملیه را بگوید ؟

آیت الله مددی: نه رأی است، شیخ این را نقل نکرده است.

یکی از حضار: اصلاً عبارتش با عبارات دیگر فرق می کند.

آیت الله مددی: نقل به معنی است، دقت کردید چه می خواهم بگویم؟ خب شیخ فهمیده است که این ذیل، قیاس است. متوجه شدید

چه می خواهم بگویم؟ اصلاً این ذیل را شیخ کلاً نیاورده است. عرض کردم یکی از مشکلات در باب حدیث، هم در میان ما و هم در میان

اهل سنت، تقطیع حدیث است.

یکی از حضار: شاید آن زیدی اضافه کرده باشد.

آیت الله مددی: دیگر نمی دانیم. ما که الآن نمی دانیم. چون در شیعه که آن را نداریم. دقت کردید؟ الآن اگر از من بپرسند، من چیزی نمی توانم بگویم. در شیعه که نداریم این برای شیعه، در شیعه که نداریم. در کتب زیدیه که نویسند اش متعصب و در رد ما نوشته، این ذیل را هم آورده است. اگر از ما بپرسند هست یا نیست، هیچ نمی توانیم بگوییم. بینی و بین الله من هیچ کدام را نمی توانم بگویم، چون هیچ کدام برایش حجت نیست. نه مرسل شیخ حجت است و نه...

یکی از حضار: آن شواهدش هست که می گفتید قمی ها به قیاس عمل می کردند.

آیت الله مددی: کجا عمل می کردند آقا؟

یکی از حضار: نه، یعنی بعضی هاشون، بعضی خواصشون.

آیت الله مددی: شیخ نه، شیخ مفید می گوید رأیت بعضهم، نه اینکه کجا بوده. نه، بلا اشکال امثال صدوق و ابن ولید قطعاً عمل نمی کردند، کلینی قطعاً عمل نمی کرد. اصلاً روایات زیاد در مدح، ذم رأی دارند. اصلاً روایت داریم که به امام باقر گفتند: رأیت؟ قال علیه السلام: لسنا من اصحاب رأیت. به ما نگوید رأیت. رأی را به ما نگوید. ما هر چه می گویم عن رسول الله، عن الله است، یعنی چه رأیت؟ این را مرحوم آقای بروجردی در جامع الاحادیث در باب حجیت فتوای ائمه یا خبر واحد، اصلاً چند تا روایت است: قلت للصادق، للباقر، رأیت؟ قال: لسنا من اصحاب رأیت، ما اصلاً اصحاب رأی نیستیم. اونی که ما داریم این است. اینکه قمی ها عمل کردند، نگفت همه قمی ها. گفت رأیت بعضهم. خب شاید بعضی هایشان محدث بودند و به این حدیث عمل کردند.

حالا عجیب این است که شیخ طوسی با مقام و جلالت مقامش، این ذیل کلاً حذف است. روشن شد چه می خواهم بگویم؟ چون با این ذیل می آمد، معلوم بود جعلی است. با این ذیل، وخذوا برایکم. عرض کردم، علی تقدیری که این حدیث را قبول بکنیم، چون من توضیحات کافی دادم، مرحوم شیخ قدس الله نفسه آن بحث حجیت که رفته، کار را خراب کرده انصافاً. ببینید، در کوفه یک کتابی را به نام علی بن ابی طالب پخش کردند. ما دو تا کتاب علی داریم: یکی از مدینه داریم، یکی از کوفه. این خلط شده. آن کتاب مدینه را این امام باقر و امام صادق نشان دادند. ما الآن از امام سجاد نداریم که کتاب علی را به ما نشان داده باشد. لکن یک روایت داریم که امام وقتی کتاب را نشان دادند به آن زرار، گفتند هذا حدثی به ابی، یعنی حضرت سجاد، عن ابیه الحسین عن علی انه املاء رسول الله و خط علی. عرض کردم این مسلم است که امیرالمؤمنین یک کتابی را به املاء رسول الله و خط خودشان داشتند. مصنف عبدالرزاق یا مصنف ابن ابی شیبه، الآن نمی دانم، در ذهنم نیست، به نظرم عبدالرزاق باشد. از ام سلمه نقل می کند که یک روز نوبت من بود، سهم زن ها به اصطلاح

رسول الله نزد من بود، علی بن ابی طالب هم بود. یک پوست گوسفند داشت. عرض کردم، آنچه که ما الآن از متون قدیم، حتی قرآن، هر چه داریم بر پوست گوسفند است، پوست آهو نداریم و در آن زمان یک کاغذی از چین می آوردند، آن هم در آن زمان نبود که من الآن دارم. یک درخت عجیبی است، در چین بار نمی دهد. این پوستش را که می کنی، شما با دست این جور جدا می کنی ورقه می شود. ورقه صاف، صاف، صاف، انگار در کارخانه ساخته اند. من در خانه دارم. همین جور می کنید، ورقه در می آید که این احتمالاً قرطاس، کارتاس این باشد. یکی هم از مصر یک نوع نی بود، این را می شکافتند، سه سانتی متر می شد، پهلوی هم می گذاشتند، که پاپیروس بهش می گویند. ما متون عربی به پاپیروس خیلی کم داریم. یکی اش هم گفتم تازگی برایتان، کتاب صحیفه همام، من نسخه اش را دیدم، تصویرش را دیدم. انصافاً خیلی نفیس است. ۲۲۹ نوشته شده. جزو نوادر کتاب های عربی است که روی پاپیروس نوشته شده و خیلی خط قشنگی هم دارد. زمان امام هادی نوشته شده. این را ما کلاً کم داریم.

بیشترین نوشته های ما، کل قرآن هایی که... یک اصطلاحی دارند غربی ها درست کردند، قرآن های عهد اموی، یعنی تکه تکه پاره های قرآن که تا سال ۱۴۰ نوشته شده، ۱۳۰ که بنی امیه از بین رفتند، اینها را می گویند قرآن های عهد اموی، مجموعاً ۳۰ قسمت است، ۳۰ قسمت یا ۴۰ تا است. مجموع قرآن های عهد اموی. دارند رویش کار می کنند، کار شده، کار رسمی شده. چندین سال رویش کار شده. همین جلو خود آلمان یک گروهی تشکیل داده، آن رئیسش، معاونش پیش من آمد، حالا رئیسش چون شده، یهودی هم هست، میشل مارکس، آمد پیش من. الآن شاید ۱۰، گفت ۱۸ سال ما داریم تحقیق، ۱۸ سال برای بررسی قرآن های عهد اموی و اینها، قرآن های... تمام اینها، عرض کردم الآن قدیم ترین نسخه ای که از قرآن پیدا شده، زمان رسول الله است، سال هفت هجری. روی پوست گوسفند است. خود این پوست، زمان تقریباً تولد رسول الله است. می نوشتند، می پاک کردند. این قسمت قرآن، فقط مشککش این است که دو برگه است، دو یعنی چهار صفحه. در کتابخانه بیرمنگام است. این قدیمی ترین نسخه ای که از قرآن که در زمان خود رسول الله نوشته شده. که البته این خیلی کم داریم. حالا این شرحی، من یک وقت دیگری هم صحبت کردم، دیگر نمی خواهم وارد شرح این قسمت بشوم. دقت می فرمایید؟ این ما داریم.

ام سلمه می گوید امیر المؤمنین پیش من بود، پوست گوسفند بود، می سؤال می کرد، رسول الله جواب می داد. نوشتند تا این پوست پر شد. این املاء رسول الله و خط علی شاهد پیش اهل سنت هم دارد ها، خیال نکنید در روایات ما آمده. و در روایات ما وقتی صحیفه ی علی را توصیف می کنند دو جور است: یکی اش حالت کتاب مثل ما دارد که خواندیم آن روز، یکی اش مطوی، فخذ البعیر، مثل ران شتر. این همین پوست ها بوده، معلوم شد؟ این پوست ها را به هم پیچیده بودند.

پس این مطلب شاهد تاریخی قطعی داریم. این قرآن در اختیار اهل بیت بوده. از امام سجاده هم نداریم. من یک تحقیقی کردم، حالا اگر چاپ شد بعد، در سایش گذاشته شد، یک کلامی عبدالملک بن مروان دارد در ارث زن. خیلی شبیه، یعنی چیز بوده، آیین نامه‌ی داخلی بوده که عبدالملک بن مروان نوشته. همین فتوایی که الآن پیش ما است که زن از زمین ارث نمی‌برد. خیلی شبیه عبارتی است که از امام باقر از کتاب علی نقل شده. خیلی عجیب است، این خیلی عجیب است، وقتی عبدالملک بن مروان زمان امام سجاده است، اصلاً وفاتش قبل از امام سجاده است. ما تنها جایی که با زحمات من پیدا کردم که در امام، زمان امام سجاده، یک عبارتی است که خیلی شبیه عبارت امام باقر است. خیلی شبیه است. برای اولین بار احتمال دادیم که اصلاً این عبدالملک بن مروان جزو آیین نامه شد که زن اصلاً لا ترث المرأة من العقار شیئا. همین که الآن به ما اشکال می‌گیرند که این فتوای خاص شیعه است. نه، برای عبدالملک مروان هم هست. قصه‌اش را مفصلاً از کتاب ابن ابی الحدید نقل کردم. حالا دیگر اینجا نمی‌خواهم وارد بشوم. این اگر باشد، این خیلی عجیب است. تنها موردی که من توانستم پیدا بکنم که از کتاب علی باشد زمان امام سجاده، این است. این آیین نامه‌ی داخلی که عبدالملک بن مروان نوشته.

آن وقت یک کتاب علی هم در کوفه بوده. حالا گفتند بعضی‌ها مال علی بن ابی طالب است، بعضی‌ها گفتند مال ابورافع است، بعضی‌ها مال پسرش است، بعضی‌ها گفتند مال حارث است. این باید حدود سال‌های ۴۰ و ۵۰ نوشته شده باشد. این کتاب بین شیعه و سنی و زیدی رواج پیدا می‌کند و اسماعیلی‌ها. یک مقداری‌اش را، اصلاً می‌گوید عرض کرد در این کتاب را بر امام باقر، فقال هذا قول علی، امیرالمؤمنین. اصلاً آنجا تعبیر دارد. و این کتاب سه بخش بوده: سنن، احکام، قضایا. ما مفصل این را شرح دادیم. این یک کتاب دیگری بوده. زمان امام صادق تدریجاً این کتاب حذف شده. روشن شد؟ این می‌گوید اگر مطلبی برای شما آمد از امام صادق، این حدیث تاریخ دارد. هنوز کلام ما به شما نرسیده، به این کتاب که عن علی است عمل نکنید. روشن شد؟ نه شیخ متوجه این مطلب شده، نه دیگران. هی گفتند حدیث مرسل است. بابا حدیث معنا دارد، مرسل هست اما معنا دارد. روشن شد؟ بعد چه شد؟ خب امام صادق بیان کردند. خود به خود موضوع حدیث منتفی شد. سر اینکه اصحاب حدیث را نیاوردند این بود. دقت کردید چه شد؟ چون می‌گوید: اذا ابتلیم بالامر لابد من العمل به، فخذوا بقول الناس، ناس در اینجا اهل کوفه است، عبدالله بن بکیر هم اهل کوفه است. عن علی یا در روایت عبارت شیخ فی ما رووا عن علی. این رووا عن علی همین است.

یکی از حضار: استاد، شاید این فرمایش شما دنباله حدیثی است که بعدش دارد که ثم تسألوا عنه بعد ذلک فان کان صواباً فالأرجعتم

الی الجهل الی الصواب

آیت الله مددی: روشن شد چه شد؟

یکی از حضار: یعنی پرسش از امام را برده آخر.

آیت الله مددی: نه، روشن شد برایتان؟

این یک تعبدی نبوده که تا روز قیامت بماند. شیخ خیال کرده تا روز قیامت می ماند این. این یک حدیث، یک محدوده زمانی معین دارد. یک کتاب معینی بوده. اهل کوفه عن علی نقل کردند، الآن هم داریم، زیدی ها عن علی نقل می کنند که ما نداریم. سنی ها عن علی نقل می کنند که ما نداریم. اسماعیلی ها عن علی نقل می کنند که ما نداریم. الآنش هم هست خب. امام صادق... نه روشن شد می خواهم چه بگویم؟

خدا رحمت کند مرحوم شیخ طوسی را و رضوان الله را، خیال کردند این حکم دائمی است الی یوم القیامه. انظروا بقول الناس عن علی. نه، این نیست. این یک محدوده زمانی معین است. اوایل انتشار فقه اهل بیت توسط امام باقر و امام صادق. روشن شد؟ بعد این فقه روشن شد، امام فرمودند دیگر. امام باقر فرمودند، بعد حضرت موسی بن جعفر فرمودند، بعد حضرت رضا داریم. دقت کردید؟ دیگر موضوع حدیث منتفی شد. اینی که من می گویم شیعه این را نقل نکرده روشن شد چرا؟ چون موضوع نداشت دیگر.

آنچه که شیعه احتیاج داشت، ائمه بیان کردند. این مال آن زمانی است که هنوز اوایل کار بود. ندیدید که از ما به شما چیزی رسیده، برگردید به اونی که از کتاب علی... کتاب علی در اینجا یعنی آن کتابی که در کوفه بود. نه آن کتابی که رمز امامت، پیش امام باقر و امام صادق بود. و لذا این کتاب علی پیش امام باقر پخش نکردند امام باقر، تو مدینه هم پخش نکردند. به بعضی از اصحاب نشان دادند. دارد که کتاب را درآورد، برای من خواند، در کتاب علی این جور بود. این را فقط ما الآن از امام صادق و امام باقر داریم. نه از امام سجاد داریم، نه از موسی بن جعفر داریم، نه از امام رضا داریم، نه از حضرت جواد داریم، از هیچ کس نداریم. منحصر به این دو امام است.

بله، در جواب عهدنامه مأمون، این هم خیلی عجیب است، واقعاً خیلی عجیب است، وقتی مأمون ایشان را ولیعهد کردند، حضرت رضا سلام الله علیه به خط مبارک خودشان نوشتند... عرض کردم تاریخ این مطلب درست است. خود خط تا سال های ۶۰۰ موجود بوده. صاحب کشف الغمه می گوید من دیدم خط امام را و بوسیدم، خط امام را بوسیدم. امام در آنجا می گویند که امیرالمؤمنین، مأمون گفت من ولیعهد بشوم، لكن الجفر و الجماعة یدلان علی خلاف ذلک.

یکی از حضار: جفر؟

آیت الله مددی: جفر هم دارد توش.

«الا ان الجفر و الجامعه اين تعبير امام رضا

يکي از حضار: جفر جدا بوده.

آیت الله مددی: جفر جدا بوده است.

الا ان الجفر و الجامعه يدلان... سنی ها بعد که این کتاب پخش شد در عالم اسلام، چون این قانون، حکم دولتی بود، ائمه جمعه خواندند، پخشش کردند. جواب امام هم پشتش است، لذا اهل سنت هم بحث کردند که این مراد امام رضا چیست از جفر و جامعه؟ یعنی یک کتاب رسمی که دولت اعلام کرده. دقت کردید چه می خواهم بگویم؟ امام می گویند این گفت من ولیعهد بشوم، لکن در جفر و جامعه دارد که این نمی شود. این مطلب نمی شود. و نشدند، بالفعل نشدند. حضرت مسموم شدند.

غیر از این عبارت حضرت رضا، ما دیگر اصلاً کلاً از کتاب علی عنوان نداریم. روشن شد؟ چرا؟ چون این کتاب رمز امامت بود. بنا نبود بین مردم پخش بشود. اصلاً این بنا نبود بین مردم پخش بشود. این رمز امامت بود. آن کتاب رمز امامت نبود. این آن کتاب تصادفاً در کوفه نوشته شد، تدریجاً به مدینه رسید. اولین کسی هم که از ائمه داریم که به ما رسیده، امام باقر است. از امام باقر سؤال کردند، قال هذا قول امیرالمؤمنین. که من عرض کردم احتمالاً مراد امام باقر این باشد که کتاب علی نیست، نقل از علی است. این دو تا با همدیگر فرق می کند. اهل کوفه می خواستند بگویند کتاب... روشن شد چه می خواهم بگویم؟ هذا قول امیرالمؤمنین

يکي از حضار: یعنی حضرت فرموده دیگران نوشتند.

آیت الله مددی: این کتاب حضرت نیست. چون این را توجه نکرده به این عبارت. یک زوایایی ما برای شما روشن می کنیم که در طول

تاریخ تا حالا رویش کار نشده.

پس این حدیث از امام صادق بر فرض صادر شده باشد، تاریخش روشن شد. سر اعراض اصحاب هم روشن شد. اعراض اصحاب

غیر از ذیلش که رأی دارد، سرش این بود. موضوع نداشت. سرش این بود که محدودیت زمانی داشت. در یک محدوده زمانی امام اجازه

داد به قول علی نگاه بکنند. شیخ طوسی خیال کرد نه، این محدوده زمانی ندارد، تا روز قیامت به هر چه که سنی ها از علی نقل کردند نگاه

بکنند.

یکی از حضار: قید حادثه‌ای که اصلاً هیچ جایی راهی پیدا نکند.

آیت الله مددی: اما در کتاب شیخ طوسی اصلاً جور دیگری آمده. بخوانید عبارت شیخ طوسی در عده. اذا نزلت بکم حادثه

یکی از حضار: لا تجدون حکمها فی ما رووا عنا.

آیت الله مددی: فی ما رووا... بله. «فانظروا».

یکی از حضار: فانظروا الی ما رووا عن علی.

آیت الله مددی: اینجا دارد «رووا عن علی».

یکی از حضار: فاعملوا به.

آیت الله مددی: این رووا عن علی همین کتاب به نظر می‌آید. روشن شد چه می‌خواهم بگویم؟

یکی از حضار: از اول نگاه کنند، چرا بعد یعنی مرتبه ثانی نخواهد، دیگه از همون اول، ابتدا این هم یکی از متون مرجع علمی باشد.

چرا؟ چرا بگویند در شرایط خاص؟

آیت الله مددی: قبول نداشتند، امام صادق قبول نداشتند. حتی در یک جا دارد که احرام بسته بود، مثل ابوحمزه ثمالی، خیلی عجیب

است، گفت از کوفه احرام بستم. حضرت فرمودند چرا؟ فرمودند بلغنا عن علی انه قال من تمام الحج و العمره ان تحرم من دویرة اهلک، تحرم بهما حضرت فرمودند کذبوا علی علی، دروغ گفتند اصلاً.

مثل ابوحمزه نفهمیده، خیلی عجیبه! امام سجاد را درک کرده، امام باقر را درک کرده، خیلی عجیبه! زمان امام صادق ببینید! و من جاش

را هم معین کردم، یعنی در مسجد کوفه می‌آید یک کمی جلوتر، الآن بهش می‌گویند حی الکنده، اینجا احرام می‌بستند. اهل کوفه، من

جاش را هم از کتاب این لویی ماسینیون گرفتم. اهل کوفه از اینجا احرام می‌بستند. اینجا منطقه‌ی ارزم بود، ارزمی‌ها اینجا بودند. ایشان

نوشته از منطقه ارزمی‌ها احرام برای مکه می‌بستند. اصلاً من جاش را هم معین کردم، جای احرام بستن اهل کوفه، از کوفه برای احرام.

روشن شد؟

یکی از حضار: استاد، سؤال این است که چرا امام دوباره ارجاع می‌دهند شیعه را به این کتاب که شما می‌فرمایید تکذیب هم شده از

طرف امام صادق؟

آیت الله مددی: نه، دوباره نه، می گویند اگر از ما نرسید، اوایل امر است. چون هنوز نرسیده بعضی از امام صادق.

یکی از حضار: بفرمایند که توقف کنید.

آیت الله مددی: چرا توقف کنند؟ می گویند لابد من العمل به فرض این کردند.

یکی از حضار: حالا روایاتش که دروغ نبوده.

یکی از حضار: از کجا معلوم؟ کدامش؟

آیت الله مددی: خب دارد می گوید اذا... یعنی اگر توقف جایی است که لابد نیست، اصلاً تصریح کردند. اذا ابتلیتم بالامر لابد من العمل به. توقف، چه توقف کنند؟ روشن شد چه می خواهیم بگویم؟ نه، تاریخ روشن شد؟ مرحوم شیخ طوسی این را گرفت کلام الی يوم القيامة. مضافاً به اینکه ما این را نفهمیدیم. حضرت می فرمایند لم تجدوا حکمها فی ما روينا عنا. وقتی مرحوم شیخ می فرمایند و لذلك عملت الطائفة برواة السكونی. من تعجب می کنم. سکونی می گوید عن جعفر عن ابيه عن ابيه عن علی. این که رووا عن علی است که، و لذا احتمال داریم مراد اصلاً از این، اصلاً این هم جور در نمی آید. چون می گوید لا تجدون حکمها فی ما روينا عنا. خب این که از عنه است که.

یکی از حضار: نه رووه را ناس معنا کردید. عنا باشد

آیت الله مددی: یعنی می گوئیم ما رووه عنا خب اینکه برای امام صادق است. کتاب سکونی همه اش این است: عن جعفر عن ابيه. و لذا احتمال داریم مراد، نکته فهرستی باشد. یعنی سنی در کتابش آورده. به آنچه که در کتب اهل سنت آمده. والا این سنی از امام صادق نقل کرده که. حالا فرضش این است که از ما روایت نداریم. خب این روایتش که از امام صادق است. من نمی دانم شیخ طوسی چه کار فرموده اند؟ سه تا اسم آوردند. من به این مناسبت دیروز گفتم اسم طلحه بن زید نیست. من می خواستم امروز این شرح بدهم، طولانی شد. به هر حال اینها نکات تاریخی خیلی لطیفی است، چون جای دیگری گفته نمی شود، گفتیم حالا اینجا بگوئیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين